

## رابطه تعقل با سخن گفتن



حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

یکی از موضوعاتی که در معارف دینی ما بسیار به آن پرداخته شده است، موضوع سخن گفتن و درست سخن گفتن و بیجا صحبت کردن و پرهیز از گناهان و کج رفتاری های زبانی است. به طور کلی در روایات ما توصیه شده است مؤمن کسی است که قبل از سخن گفتن، تفکر کند تا کمتر دچار اشتباهات زبانی و حسرت های جبران ناپذیر پس از آن در معاشرت روزمره خود در جامعه و در ارتباط با دیگران بشود. در واقع رابطه مستقیمی بین میزان دانش و تفکر و تعقل افراد با سخن گفتن آن ها وجود دارد، هم از نظر کیفیت و هم از نظر کمیت؛ یعنی شخص عاقل هم کمتر از دیگران سخن می گوید و هم کلمات متقن تر و منطقی تر و مؤدبانه تری را بر زبان جاری می کند، برخلاف افراد احمق و کسانی که دارای این قوه نیستند که با زیاد سخن گفتن و پرهیز نکردن از گفتن کلمات بیهوده، هم شأن و شخصیت خود را پایین می آورند و هم به خودشان و دیگران صدمه می زنند.

امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> در حکمت ۷۱ نهج البلاغه می فرماید: «أَتَمُّ الْعَقْلِ تَقْصُّ الْكَلَامِ؛ هرگاه که عقل کامل شود، سخن گفتن کوتاه و کم می شود.» پس وقتی قدرت تفکر و تعقل زیاد می شود، میزان سخن گفتن و حرف زدن کم می شود که در احادیث متعددی به این معانی اشاره شده است.

در روایت زیبای دیگری، حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> می فرماید: «مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطُؤُهُ، وَمَنْ كَثُرَ خَطُؤُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ؛ هرکه سخن بسیار گوید، خطایش بسیار شود و هرکه بسیار خطا کند، شرم و حیایش کم شود و هرکه کم شرم و حیا شود، پارسایی اش کاهش یابد و هرکه پارسایی اش کم شود، دلش بمیرد و هرکه دلش بمیرد، به آتش رود.

جداز این مطالب، یکی از ریاضت های شرعی که بزرگان دینی همواره افراد را به آن دعوت می کنند، سکوت کردن است. به طور کلی احادیث اهل بیت<sup>(ع)</sup> و آیات قرآن، ما را از گفتن سخن های بیهوده و کلماتی که مقصود و مقصد درخور توچی ندارند، نهی می کنند و بنابراین مؤمن باید این گونه باشد که وقتی سخن نمی گوید، در حال فکر کردن در مورد مسائل مهم باشد و زمانی که سخن می گوید، در حال ذکر گفتن یا گفتن کلماتی باشد که سودی برای او داشته باشد و به حال خودش و دیگران مفید واقع شود. یکی از آیات قرآن در صفات مؤمنان می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ و آنان که از هر بیهودگی روی گردانند.

یکی از مصادیق لغو، گفتن سخنان بیهوده و بی معناست که مؤمن باید از آن مبرا باشد. پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمودند: «مَنْ حَسُنَ إِسْلَامُ الْمَرْءِ تَرَكَ مَا لَا يَنْفَعُهُ؛ از نشانه های خوبی اسلام انسان، سخن نگفتن درباره اموری است که به او ارتباطی ندارد.»

به طور کلی سخن گفتن، ابزار مهمی است که انسان باید بیجا و به موقع از آن استفاده کند، وگرنه چه بسا این نعمت بزرگ، موجب دردسر برای انسان بشود. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> در کلام زیبای دیگری در این باره می فرماید: «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ؛ سخن مانند داروست، اندکش مفید و کثیرش قاتل است.»

سیاری از افراد سخنانی می گویند که بعد از گفتن آن پشیمان می شوند یا کلماتی می گویند که گاهی زندگی آن ها را تباه می کند. بنابراین آنچه می تواند ما را از این صدمات بازدارد، فکر و تأمل کردن قبل از هر سخن و پرهیز از سخنان بیهوده و تمرین سکوت کردن است و شایسته است مؤمن به تمام این امور کوشش کند.

## بردار و بخوان

### امید آخر

داستان هایی از کرامات امام زمان<sup>(عج)</sup>

برای بسیاری از ما که در دوران غیبت امام عصر<sup>(عج)</sup> زندگی می کنیم، این سؤال پیش می آید که ارتباط ایشان با شیعیان چگونه است و اینکه اصلا معجزه یا کرامات صادر شده از طرف ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> به چه صورت است؟ در بسیاری از متون موفق که بار تاریخی و تحقیقی آن ها تأیید شده است، از ارتباط ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> با شیعیان خود و صدور کرامات از طرف ایشان گفته شده است. خداوند متعال، بعد از خاتم انبیا، حضرت محمد<sup>(ص)</sup>، امامان معصوم<sup>(ع)</sup> را حاملان و اجرا کنندگان شریعت و جانشینان طریقت آن حضرت و حجت خویش در روی زمین تعیین کرده است تا راه هدایت برای مردم فراهم شود و از آنجا که همواره در طول تاریخ، مدعیان دروغین نبوت و امامت، واقعیت را بر مردم مشتبه می کردند و آن ها را به گمراهی و ضلالت می کشاندند، لازم است راهی برای شناخت امام و حجت، قرار داده شود. این راه و علامت، همان است که در اصطلاح متکلمان، «معجزه» خوانده می شود و در اصطلاح قرآن، «بینه» و «آیه» نامیده می شود. خداوند می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما، رسولان خود را با دلایل روشن (معجزه) فرستادیم و با آنان، کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم، به عدالت قیام کنند.»

در روایتی از امام صادق<sup>(ع)</sup> درباره علت اعطای معجزه از سوی خداوند، سؤال شد. حضرت در جواب فرمودند: «معجزه، علامتی است از طرف خداوند که آن را فقط به انبیا و رسول و امامان عطا می کند تا صدق آنان از دروغ دروغو شناخته شود، با توجه به اینکه جمیع مسلمانان، به جواز کرامت اولیای خدا عقیده دارند - چنان که تفتازانی می گوید «جمهور مسلمانان، به جواز کرامت اولیای خدا معتقد هستند»- پس انجام دادن معجزات و کرامات از سوی امامان معصوم<sup>(ع)</sup> و از جمله امام زمان<sup>(عج)</sup> که حجت های خداوند بر روی زمین و وارثان زمین هستند، امر عجبیبی نیست.

کتابی که امروز به شما معرفی می کنیم، درباره کرامات امام عصر<sup>(عج)</sup> است. کتاب «امید آخر»، داستان هایی از کرامات امام زمان<sup>(عج)</sup> است که به قلم حسن محمودی نوشته شده است. محمودی در این اثر از منابعی همچون نجم الثاقب تألیف طبرسی نوری، کتاب عنایات حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> به علمای اثر ناصری دولت آبادی و آیت... سیستانی و کتاب عنایات امام مهدی<sup>(عج)</sup> استفاده کرده است. کتاب امید آخر با داشتن داستان های ساده اما پر مفهوم و الهام بخش، می تواند سبب افزایش ایمان و تمایل به پیروی از آموزه های امام زمان<sup>(عج)</sup> شود. نویسنده با داشتن دسترسی به منابع مختلف، موفق شده است داستان های منتقل شده را در کتاب خود تلمیح کند و نشان دهد که امام زمان، چگونه از قدرت الهی استفاده می کند و یابداری و صبر به دستاورد هایی برای مردم زمین می رساند. بنابراین، درکل، کتاب امید آخر به ترجمه داستان های مفید و مهمی از زندگی امام زمان<sup>(عج)</sup> می پردازد که باعث ایجاد نشاط و شور در خواننده شده، می تواند در تقویت ایمان و امید به ظهور امام زمان، مؤثر باشد.

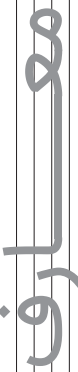
این اثر را انتشارات جمکران به چاپ رسانده است.

### هفت تشریف در این کتاب بازنویسی شده است:

- ۱- توبه روحانی که تشریف شیخ حسن یعد از یک توبه واقعی است.
- ۲- هانیبه، داستان به نقل از آیت... تبریزی است که فردی با عنایت حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> شیعه می شود.
- ۳- سید ابوالحسن اصفهانی که امام زمان<sup>(عج)</sup> را به بحر العلوم پیمانی نشان می دهد.
- ۴- باقوت جوانی است سنی مذهب که در بیابان گم می شود و با فریاد رسی حضرت، به مذهب تشیع درمی آید.
- ۵- بهترین روز، حسن که از لهو و لعب دست کشیده است، به خدمت حضرت مشرف می شود.
- ۶- سعید چندانی، سعید نوجوانی است که با تضرع مادرش در مسجد جمکران شفا پیدا می کند و شیعه می شود.
- ۷- این گونه باشید، ماجرای سید باقر است که برای دیدار حضرت به دنبال بهترین عمل می گردد.



شهرانه خبر  
SHAHARANE NEWS  
۱۴



## جایگاه و اهمیت بهره مندی از نعمت عمر در کلام اهل بیت<sup>(ع)</sup>

# امروز را غنیمت بدان!

حمیده ذاکری<sup>۱</sup> خداوند متعال در زندگی به ما نعمت های فراوانی داده است که هر کدام آن ها به نوعی سرمایه ای برای حیات دنیوی و اخروی ما هستند؛ سرمایه هایی که ما باید با بهره بردن از آن ها در دنیا، برای آخرتمان تجارت کنیم و به سود سرشار برسیم؛ سودی که ما را به بهشت و همجواری با صالحان برساند. اگر از شما بپرسند در میان این نعمت ها کدام یک از زینیه مهم تر است و اصلی ترین سرمایه ماست، چه خواهید گفت؟ شاید هر کدام مادر پاسخ به این پرسش، از مال یا اولاد یا سرمایه های دیگر نام ببریم اما خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می فرماید: «...بگو: همانا زینت کاران (واقعی) کسانی هستند که سرمایه وجودی خویش و بیستگانشان را در قیامت از کف داده باشند. آنگاه باش؛ این همان خسران آشکار است.» (آیه ۱۵، سوره زمر). کلمه «خسارت»، سه مرتبه در این آیه تکرار شده است تا به ما درباره مهم ترین سرمایه انسان که عمر اوست، هشدار بدهد؛ عمر و فرصتی که در اختیار ماست تا از آن برای آخرت بهره بگیریم. در ادامه، به برخی روایات درباره بهره برداری از فرصت ها و از دست ندادن فرصت امور می پردازیم.

### بهره مندی از فرصت عمر

برای اینکه دچار این اندوه نشویم و از اهل حسرت و خسارت نباشیم، باید در اندیشه بهره برداری از فرصت عمر باشیم و انگار که در مسابقه ای فشرده و دشوار با حریفان قدر قرار داریم، اهل شتاب و سبقت باشیم. امام حسین<sup>(ع)</sup> در سخنی در این باره می فرماید: «در بهره برداری از فرصت های خوب، شتاب کنید و برای رسیدن به اهداف عالی به بر یکدیگر سبقت بگیرید.»

بهار ج، ۷۸، ص ۳۵۵  
حال سؤال اینجاست که در چه باید سبقت گرفت و چطور باید بهترین بهره را از فرصت عمر برداشت؟ امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> در پاسخ به این پرسش می فرماید: «دیروز که گذشت و به فردا هم اطمینان نیست، امروز را با اعمال صالح غنیمت شمار!».

شرح غرر ج، ۲، ص ۵۷

### سرمایه ای که بی قیمت است

به کودکان نگاه کنید، به تنها چیزی که توجه نمی کنند، وقت است. آن ها هنوز آن قدر درباره زمان یاد نگرفته اند که درک کنند باید به گذران توجه کنند و به طور مثال با مدیریت آن، در ساعت مشخصی غذا بخورند یا بخوابند. عبارت «دیر شده است» برایشان کلامی معنی است. آن ها خود ما در دوران نوجوانی و جوانی مان هستند که انگار صاحب عمری تمام نشدنی هستیم و بی توجه به فرصتی که از دست می رود، روزها را می گذرانیم و حسرت سالمندان را هم از گذر عمر نمی توانیم درک کنیم، در حالی که عمر سرمایه ای تجدید نشدنی است. امام علی<sup>(ع)</sup> درباره اهمیت این سرمایه می فرماید: «عمر انسان (آن قدر گران بهاست که) به هیچ قیمتی قابل ارزیابی نیست.»

اسرار البلاغه، ص ۸۹

### در مصرف این سرمایه، خسیس باش!

حال سؤال اینجاست که از این سرمایه بدون قیمت چطور باید مراقبت کرد، سرمایه ای که مثل قرف رود آب می شود و دیگر برگشت پذیر نیست، همان گونه که امام علی<sup>(ع)</sup> می فرماید: «این را بدان که وجود تو همان شمارش روزهای عمر توست؛ هر روزی که بر تو بگذرد، قسمتی از وجود تو را به همراه خود می برد.» شرح غرر ج، ۳، ص ۷۷

پس نه تنها باید به بهره برداری از آن توجه کرد، بلکه باید در مورد چگونگی مصرفش نیز سلیقه و توجه به خرج داد؛ زیرا پانایست این سرمایه گران بها قابلیت تجدید و شارژ مجدد را داشته باشد. رسول خدا<sup>(ص)</sup> درباره مواجبه باین سرمایه چنین می فرماید: «بر عمر خودت بیش از پول و نقدینت، بخیل و تنگ نظر باش. (آن را بیهوده از دست مده)».

سفینه، ج ۲، ص ۲۵۸

## روشنا

امام علی<sup>(ع)</sup>: کَمَا تُعِينُ تَعَانُ (غیرالحکم و دررالکلم، ج ۷۲۰۹).

امام علی<sup>(ع)</sup>: آن گونه که یاری می کنی، یاری می شوی.

## خواب های پریشانی که تعبیر داشتند

که قرار بود آزاد شود، قول گرفت که ماجرای او را برای پادشاه تعریف کند و از بی گناهی اش بگوید اما او فراموش کرد تا سال ها که پادشاه خوابی دید. خوابی در بیان بی باب و علف رها کرد. همه این ها به حرف ساده است و به عمل... ما شاید حتی نتوانیم فکرش را برای خودمان تصور کنیم. برای یوسف نه چاه آسان بود و نه زندان. سختی داشت، خیلی هم سختی داشت اما چون برای خدا بود، تسلیم بود و دلش هم آرام. خواب آن دونفر که تعبیر شد، یوسف<sup>(ع)</sup> از رفیقی هفت گاو لاغر، هفت گاو چاقی را می خوردند و هفت خوشه سبزه را هفت خوشه خشک از بین می برند. پادشاه مصر به دنبال تعبیر خوابش بود و همه دانشمندان و منجمان را فراخواند تا معنی خوابش را بگویند اما آن ها که از این کار عاجز بودند، فقط یک جمله گفتند: قَالَوا أَعْصَأُ أَعْلَامٌ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَعْلَامِ بِعَالِمِينَ (یوسف، ۴۴).

خواب ها، پریشان است و ما تعبیر خواب های پریشان نمی دانیم. رفیقی که حالاساقی پادشاه شده بود،

## احکام

### شرکت در بازی های آنلاین اینترنتی

- آیت...العظمی مکارم شیرازی: در فرض سؤال اشکالی ندارد.
- آیت...العظمی نوری همدانی: چنانچه بازی مذکور برد باخت داشته باشد یا تلف از قوانین محسوب شود، جایز نیست.
- آیت...العظمی صافی گلپایگانی: چنانچه بازی قمار از قبیل شرطنج نباشد یا دارای تصاویر مستهجن یا مفسد عقیده و اخلاق یا وهن اسلام و مسلمین نباشد، نفی نفسی مانعی ندارد.

- پاسخ اجمالی: شرکت در این نوع بازی ها، با شرایط زیر اشکالی ندارد.
- ۱. استفاده و ورود به آن منع قانونی نداشته باشد؛
- ۲. بازی مذکور قمار نباشد و به شرط برد و باخت، انجام نشود؛
- ۳. مفسد اخلاقی یا تحریف عقیدتی در آن نباشد؛
- ۴. توهینی به ایران و ارزش های اسلامی در آن نبوده و تجلیلی از اسرائیل یا مفاهیم صهیونیستی در آن نباشد.

من در بازی آنلاین تحت وب بازی می کنم که سازنده اش یک شخص لهستانی است و آن بازی مانند یک جهان مجازی است که دارای پنجاه کشور مختلف است که کشور ایران و کشور صهیونیست اسرائیل دو تا از پنجاه کشور آن بازی هستند. آیا بازی کردن در این سایت حرام است؟

یاد یوسف<sup>(ع)</sup> افتاد و قول و قرارش، خواست به زندان برود تا تعبیر خواب را از زندانی عالمی که سال های دور خواب او و دوستش را تعبیر کرده بود، بپرسد. وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنْتَبِئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ (یوسف، ۴۵).

تعبیر خواب عجیب پادشاه از یوسف<sup>(ع)</sup> پرسید و به او گفت اگر برگردم، با این تعبیر همه را از علم و جایگاه تو خبردار می کنم. یوسف، پیامبر خدا بود و چشمش به گشایش پروردگارش بود اما خواب پادشاه را تعبیر کرد.

قصص قرآنی

